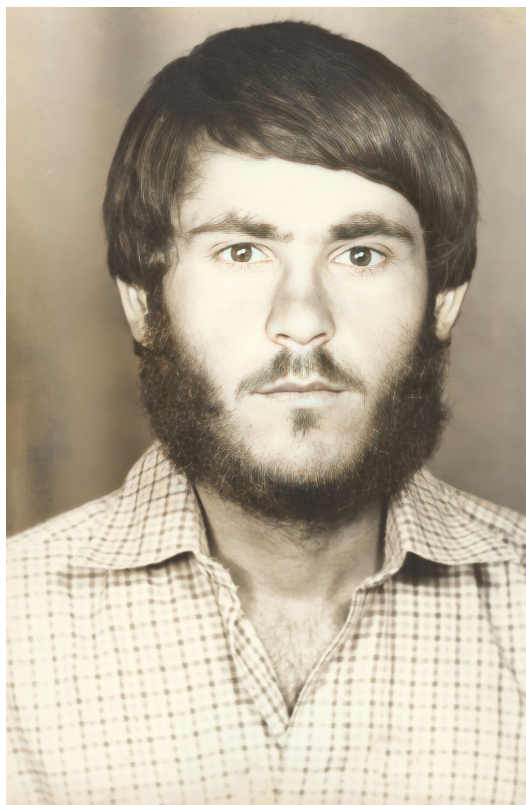


شہید علی احمدی



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نام پدر	ماندنی
تاریخ تولد	۱۳۴۰/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر – تنگستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۹/۲۷
محل شهادت	موسیان
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سرباز نیروی انتظامی
شغل	—
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	بنه گز

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید علی احمدی (الیاس) در روستای باغ چرخ از توابع روستای بنه گز دیده به جهان گشود. خانواده او اهل دیانت و معتقد راستین به دین مبین اسلام بودند. پدر و مادر مهربان او از علی انسانی وارسته ساخته بودند که در آینده جان خود را در راه اسلام و وطنش فدا نماید تا آیندگان با خیال آسوده در خاک ایران زمین با افتخار و سربلندی زندگی نمایند.

هنگامی که سن علی برای ورود به مدرسه ابتدائی آماده شد همراه سایر دوستانش با کیفی چون سبدپر از عشق راهی مدرسه شد تا اولین درسهای زندگی را در کتابها و الفاظ شیرین معلمانش فرا گیرد. پس از پایان دوره ابتدائی وارد مدرسه راهنمایی شهید جلالی بنه گز گردید. آن زمان قرین فریادهای الله اکبر مردم ایران علیه رژیم ستم شاهی بود او نیز مانند سایر هموطنان خود در آن زمان به هر طریقی که در آن فضا امکان پذیر بود در راه پیروزی انقلاب و تحقق آرمانهای حضرت امام (ره) از خود مایه گذاشت پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم پهلوی و همزمان با تشکیل ارتش بیست میلیونی به فرمان پیر انقلاب به عضویت بسیج این نیروی مردمی و انقلابی در آمد و سرپرستی بسیج روستای خود را عهده دار گردید. هنگامی که قلبش با آرمانهای بسیج آشنا گردید برای حفظ دیده های عالی انقلاب تفاوت نگهبانی در شب و روز را از وجود او برداشته بود و از تلاش و کوششی که می کرد احساس رضایت می نمود.

او همواره بسیجیان را به اخلاق اسلامی، انسانی، تواضع و فروتنی و حسن معاشرت با مردم دعوت می کرد. و اخلاق و رفتار ایشان یکی از صفات بارز انسانی او بشمار می رفت و مردم از او احساس رضایت می کردند. در پایان سال دوم راهنمایی بود که سربازان چکمه پوش متجاوز عراق بر خاک ایران اسلامی بطریق وحشیانه ای حمله ور شدند. عشق به اسلام و ایران قلب آماده به خدمت علی احمدی را به سوی جبهه های جنگ تحمیلی که ساخته و پرداخته شیطان بزرگ با دستان عراق بود کشانید درس و مدرسه را به هدف یاری دوستانش رها کرد و برای اولین بار در جبهه خرمشهر علیه دشمن دیده شود. دوره اول او به جبهه جنگ مدت ۱۶ روز طول کشید و در پست شکارچی تانک آر پی جی زن همدوش سربازان نور علیه دشمن غرش خویش را آغاز نمود. دوره دوم اعزام او به جبهه که بعد از مدتی از دوره اول صورت گرفت عشق ماندن با همزمانش زمان ماندن او را به ۴۵ روز کشانید و این بار در ایفای نقش کمین، اجرای مأموریت نمود. این روال ادامه پیدا کرد تا اینکه خدمت مقدس سربازی او اعلام گردید و اینبار نیز چون جانباز راهی جبهه های حق علیه باطل گردید. مدت شش ماه از خدمت او در این پست نگذشته بود که در منطقه عمومی موسوم به تپه سفید در اطراف شهر موسیان قرار گرفت. او که در اثنای جنگ از خود رشادتهای فراوانی نشان داده بود و از طرف واحد خود در ارتش به درجه سرباز یکمی و ارتقا □ درجه نایل آمده بود بار دیگر جوانمردی خویش را نشان داد ولی خم زبون او را مهلت نداد و در تاریخ بیست و هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و شصت و دو، روح لطیف و مطهرش چون کبوتر سبکبال از آشیان تن خاکی پر کشید و به ملکوت اعلی پیوست تا روحش در کنار دیگر قربان درگاه ایزد حق آرام و قرار گیرد.

سجایای اخلاقی شهید علی احمدی

۱- حسن خلق با مردم و رعایت حقوق دیگران

۲- گفتار آمیخته با ملاطفت و نرمی

۳- اعتقادات راسخ به مسائل مذهبی

- ۴- آرزوهای دنیوی هرگز اهداف عالیش را منحرف نمی کرد
- ۵- دیرتر از هر کسی خشمگین می شد و زودتر از همه خرسند و راضی می شد
- ۶- شوق به وصال شهادت و ترس و بیم از کیفر مجازات اصول اخلاقی او را شکل می داد
- ۷- صله رحم را بخوبی بجا می آورد
- ۸- اعمال صالح انجام می داد در حالیکه از کارهای خود بیمناک بود .
- ۹- برپایی نماز و اجرای نیک روزه را بخوبی انجام می داد
- ۱۰- همواره در سیمای او تبسم دیده می شد
- ۱۱- تاکید وافر به امر به معروف و نهی از منکر داشت
- ۱۲- نیکی فراوان به پدر و مادر
- ۱۳- تواضع و فروتنی
- ۱۴- خدمت بی ریا به اسلام و انقلاب

خانواده شهید علی احمدی

دروود بر پدر و مادرانی که با اهدا^۱ عزیزترین هستی زندگیشان ، راه نیک را زندگی کردن را به دیگران می آموزند . اینان جز پدر و مادر سرباز «شهید علی احمدی» نیستند . ماندنی احمدی متولد ۱۳۰۹ و منیژه صحراگرد متولد ۱۳۱۱ می باشند که راه چگونه زندگی کردن را به دیگران مانند سایر پدر و مادر هزاران شهید ایران اسلامی آموختند .

پدر و مادر شهید از همان دورانی که خود را شناختند در راه امرار معاش حلال خانواده خود کوشیده اند و با شغل چند پیشه و پر زحمت در کشاورزی آغاز نموده اند و با همین رنج و زحمت نهایت کوششی و اهتمام را در تربیت فرزندان صالحشان بهره برده اند .

پدر و مادر شهید در سال ۱۳۶۳ مشرف به زیارت خانه خدا شدند و در آن مقام ربوبیت از خداوند بزرگ ، عمری باعظمت را از خدای خویش طلب کرده اند و در حال حاضر پدر و مادر شهید بزرگوار و در قید حیات و از آنان ۱ فرزند پسر و ۵ دختر باقی مانده است . خداوند این خانواده بزرگ را در کف الطاف و حمایت خویش قرار دهد .

یام شهید شهید علی احمدی

شهید علی احمدی خود از بنیانگذاران بسیج در محله خود بود . بر همین اساس در سخنان خود به نقش اساسی

بسیج در حفظ ارزشهای والای اسلام و انقلاب اعتقاد راسخی داشت و برای حفظ خط امام خمینی (ره) و پایبند بودن به آن ارزشهای بسیجی را به دوستانش گوشزد می کرد و به آنان یادآور می شد که قدر وجود این بزرگوار (امام خمینی (ره)) را باید ملت بدانند زیرا که بسیاری از کشورها و ممالک دنیا انقلاب کرده اند ولی در انقلابشان بعلت نداشتن رهبریت و عدم وحدت کلمه به شکست یا انحراف کشیده شده اند زیرا که رهبریت امام خمینی (ره) برگرفته از پیامهای قرآن و ائمه معصومین بوده ، به همین علت جایگاه خاصی در بین مردم داشته است .

نزدیکان شهید علی احمدی می گویند در زمینه حسن نیت به مردم به ما بسیار سفارش می کرد و در عمل نیز به آن معتقد بود و زندگی را آزمایش بزرگی برای خودش می دانست و هدف زندگی را در عقیده و ایثارگری و شهادت در راه خدا می دانست و آنانی را که در جبهه های جنگ حق علیه باطل به هر طریقی کمک رسانی کرده بودند را از مصادیق جهادگران راه خدا می دانست و به اهمیت حمایت انقلاب تحت رهبریت امام بزرگوار را تاکید می کرد .

مصاحبه

مصاحبه با خانواده شهید علی احمدی

مادر پیرش که نقل بیانش نام الیاس است از روزهایی صحبت می کند که فرزند رشیدش از افتخارات میدانهای نبرد بوده است . او می گوید هنگامی که در بسیج روستا خدمت می کرد تاکید زیادی به رفتار خوب و درست با مردم داشت و به دوستانش که امر تفتیش اتومبیلها را در اوایل پیروزی انقلاب به عهده داشتند ، سفارش می نمود که حق و حقوق و حرمت مردم را انجام دهید و یکدفعه خدای ناخواسته از این بابت کاری انجام ندهید که این کار نادرست به پای اسلام و انقلاب گذاشته شود و خدشه ای به اهداف انقلاب که برای مردم عزیز است وارد شود . مادرش می افزاید که او از بس اخلاق نیک و پسندیده داشت . یادم می آید وقتی که الیاس از جبهه جنگ آمده بود در بلندگو مسجد روستا اعلام گردید که او از جنگ برگشته است . بیان این خبر همان و سرازیر شدن دوستانش از یک طرف . انگار که پروانه ها دور تا دور شمع حلقه زده و جمع شده باشند . هرکسی از هر کجا که بود او را بوسه باران می نمود و مورد تفقد خودش قرار می داد . همه این ارادت به الیاس من جزیر الطاف خدا و ایمان او بهمراه حسن اخلاق او با مردم چیز دیگری نبود . زیرا هر کس اخلاق او را می دید جذب او می گردید.

سپس مادرش از روزهای آخرین دیدار با او اینگونه سخن می گوید . الیاس در حالیکه فردای آن روز برای سومین بار می خواست به جبهه اعزام بشود ، رو در روی من قرار گرفت و گفت: مادر مثل اینکه به من الهام شده که دیگر بر نمی گردم و جسد من نیز به راحتی پیدا نمی شود . مادرم تو را به خدا قسم می دهم این را بعنوان یک وصیت از من بپذیر که اگر جسد من در میدانهای نبرد پیدا نشد خدای ناکرده یک وقت نسبت به بچه های سپاهی یا بسیجی اظهار ناراحتی نکنی و یا آنان را مورد بی مهری قرار ندهی و از آنان نخواهی جسد من را پیدا نمایند زیرا در منطقه ای که من ممکن است بروم یک منطقه خطرناک است . امکان دارد برای بیرون آوردن جسد بسیاری از بچه های همرزمن شهید شوند و یا باعث اذیت و آزار دیگران شود گرچه شهادت فیض بزرگی برای انسان است ولی چنین طریقی را نمی پسندم .



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران